

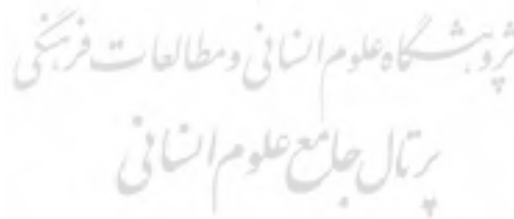
The Critical Analysis of *Al-Adab va Al-Nosos le Gheyreh Al-Nateghin bel-Arabiyah*

Masoumeh Nemati Ghazvini*

Abstract

Al-Adab va Al-Nosos le Gheyreh Al-Nateghin bel-Arabiyah written by Hassan Khamis Al-Maliji is a textbook written and designed with the aim of teaching Arabic verse and prose texts on advanced level to non-Arabic learners. The present article with descriptive-analytic method by considering special criteria of textbooks aims to evaluate and criticize the mentioned book. Meanwhile, it aims to express the formal and content features along with the shortcomings and advantages of the book for the target society. The results of this study indicate that aside from formal issues, considering the advantages like content comprehensiveness, structural coherence, lessons' presentation method, simple and fluent language, and the compatibility with moral and religious principles it could be used as one of the secondary sources for teaching texts lesson in Arabic language and literature undergraduate course.

Keywords: Book Criticism; Prose and Verse Texts; *Al-Adab va Al-Nosos le Gheyreh Al-Nateghin bel-Arabiyah*.



* Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. m.nemati@ihcs.ac.ir.

Date received: 2020-12-09, Date of acceptance: 2021-2-16

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تقدنامه زبان و ادبیات عربی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
دوفصلنامه علمی (مقاله پژوهشی)، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۲۶۱-۲۷۸

تحلیل انتقادی کتاب الأدب والنصوص لغير الناطقين بالعربية

معصومه نعمتی قزوینی*

چکیده

کتاب الأدب والنصوص لغير الناطقين بالعربية نوشته حسن خمیس الملیجی، کتابی درسی است که با هدف آموزش متون نظم و نثر عربی در سطح پیشرفته برای فراگیران غیرعرب زبان، طراحی و تدوین شده است. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با توجه به معیارهای ویژه نقد کتب درسی، به ارزیابی و نقد کتاب مذکور پرداخته تا از این رهگذر، ضمن بیان ویژگی‌های شکلی و محتوایی، کاستی‌ها و امتیازات آن را برای جامعه هدف تبیین کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد صرف نظر از اشکالات شکلی، با توجه به امتیازاتی مانند جامعیت محتوایی، انسجام ساختاری، روش ارائه درس‌ها، زبان ساده و روان، و عدم مغایرت با مبانی اخلاقی و دینی می‌تواند به منزله یکی از منابع فرعی درس آموزش متون در دوره کارشناسی زبان و ادبیات عربی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، متون نظم و نثر، الأدب والنصوص لغير الناطقين بالعربية.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. m.nemati@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

۱. مقدمه

از آنجایی که یافته‌های علمی و روش‌های آموزشی همواره در حال تغییر و تحول است، منابع آموزشی باید به‌طور مستمر مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد تا بتواند به روزترین اطلاعات را به نوین‌ترین روش‌ها در اختیار فراگیران قرار دهد.

کتاب درسی رسمی‌ترین رسانه در زمینه ارتباط علمی است که علی‌رغم گسترش استفاده از ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی، نقشی محوری و مهم را در امر آموزش ایفا می‌کند. این درحالی است که افزایش بهره‌وری از این ابزار مهم آموزشی نیازمند ارزیابی و نقد مستمر و تلاش برای رفع کاستی‌های آن‌هاست (رضی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱). در سده‌های اخیر، نقد کتاب درسی از فعالیت‌های رایجی است که در کشورهای پیشرفته انجام می‌شود. مقالات نقد کتاب درسی نوعی تألیف است که به‌صورت مختصر و فشرده ارزیابی انتقادی محتوا، سبک و موارد قوت و ضعف کتاب را برعهده دارند (آصف‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۶). بیان نقاط مثبت و منفی هر اثر ضمن کمک به مدرسان برای انتخاب مناسب‌ترین منابع آموزشی، مؤلفان را نیز در ارتقای ابعاد شکلی و محتوایی کتاب یاری می‌رساند.

یکی از منابع آموزش متون نظم و نثر عربی، کتاب *الأدب والنصوص لغير الناطقين بالعربية* اثر حسن خمیس الملیجی، مدرس کالج زبان عربی در دانشگاه ملک سعود است. چاپ دوم این اثر را اداره کتابخانه‌های دانشگاه ملک سعود ریاض در سال ۱۹۹۵ منتشر کرده است. این کتاب در ۳۴۹ صفحه برای آموزش متون نظم و نثر عربی به فراگیران غیرعرب‌زبان تدوین شده است. در مقاله حاضر نقاط قوت و ضعف این کتاب با هدف پاسخ به سؤالات زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- با توجه به معیارهای نقد کتب درسی، مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری و محتوایی

کتاب *الأدب والنصوص لغير الناطقين بالعربية* کدام است؟

- با توجه به نقاط قوت و ضعف کتاب مذکور، تا چه حد امکان استفاده از آن به‌منزله

منبع درسی وجود دارد؟

همچنین لازم به توضیح است که هرچند تاکنون کتاب یادشده، چه از نظر شکلی و چه از نظر محتوایی نقد و ارزیابی نشده، اما درخصوص نقد کتب آموزشی متون نظم و نثر معاصر عربی تاکنون پژوهش‌های فراوانی انجام شده که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

تحلیل انتقادی کتاب الأدب والنصوص لغير الناطقين بالعربية ۲۶۳

- مقاله «خوانش و نقدی بر کتاب شعر پایداری در عراق معاصر»، امیر فرهنگ‌نیا، *نقدنامه زبان و ادبیات عربی*، ۱۳۹۹.
- مقاله «بررسی تحلیلی انتقادی کتاب *دراسات فی الأدب العربی الحدیث*»، فرهاد رجیبی، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۳۹۸.
- مقاله «بررسی و نقد کتاب *مجانى الشعر العربى الحدیث ومدارسه* براساس زبان‌شناسی کاربردی»، مریم جلالی، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۳۹۵.
- مقاله «نگاهی پژوهشی به *نصوص حیه من الأدب العربی المعاصر*»، فرهاد رجیبی، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۳۹۳.
- مقاله «تحلیل انتقادی کتاب *الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث*»، فرامرزی و حسین ابویسانی، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۳۹۳.
- مقاله «نقد و بررسی کتاب *مختارات من الشعر العربی الحدیث اثر مصطفی بدوی*»، قاسم مختاری و مطهره فرجی، *نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۱۳۹۴.
- مقاله «نقد و بررسی کتاب *مجانى الشعر العربى الحدیث ومدارسه*»، کاظم عظیمی، *سخن سمت*، ۱۳۸۴.

۲. تحلیل ابعاد شکلی کتاب

۱-۲. جلد کتاب

جلد کتاب به رنگ صورتی کم‌رنگ و بدون هرگونه طرح و نقش خاص است. نام کتاب با خط درشت سیاه در وسط جلد و نام مؤلف و دانشگاه ملک سعود با فونت کوچک‌تر و با فاصله کمی از نام کتاب با همان رنگ مشکی درج شده است. در بخش پایین جلد نیز، آرم ناشر در سمت راست و نام اداره کتابخانه‌ها و دانشگاه ریاض با رنگ سیاه در سمت چپ نقش بسته است. با توجه به اینکه از این کتاب تنها نسخه الکترونیکی آن در دسترس است و در این نسخه، طرح پشت جلد وجود ندارد، نمی‌توان درباره آن اظهارنظر کرد. همچنین جلد و تمام صفحات کتاب دارای یک کادر ساده دوطرفی است که زوایای چهارگانه کادر، با یک دایره به هم وصل شده‌اند.

۲-۲. مقدمه

کتاب با دو مقدمه آغاز می‌شود. مقدمه اول، مربوط به چاپ دوم است که در یک صفحه تنظیم شده است. مؤلف در این مقدمه کوتاه، ضمن تشکر از ناشر کتاب، به این نکته اشاره کرده که چاپ دوم توسط مؤلف ویرایش و اشکالات موجود در چاپ اول نیز اصلاح شده است. بعد از مقدمه چاپ دوم، مقدمه چاپ اول آمده است که در آن، مؤلف به بیان توضیحات مهمی مانند سطح کتاب، اهداف، دوره‌های مورد بررسی (از جاهلی تا عصر حدیث) و نحوه گزینش متون و نحوه ارائه درس‌ها اشاره کرده است. به گفته مؤلف، این کتاب برای سطح پیشرفته زبان‌آموزی به مدت حداقل هزار ساعت آموزش تدوین شده است.

۳-۲. فهرست مطالب

فهرست مطالب در چهار صفحه تنظیم و با حروف الفبا مشخص شده است. این فهرست شامل مقدمه چاپ اول و دوم، پنج فصل و فهرست منابع است. در فهرست، عنوان‌های اصلی با رنگ سیاه پررنگ از عنوان‌های فرعی متمایز شده و عنوان‌های فرعی با تورفتگی در ذیل عنوان‌های اصلی درج شده است. در هر فصل ابتدا نویسنده مباحثی را درباره شرایط اجتماعی، اخلاقی و دینی دوره مورد نظر ارائه داده و سپس عنوان‌های فرعی را در برخی موارد براساس اغراض شعری و در برخی موارد براساس عنوان متون برگزیده تنظیم کرده است. هریک از عنوان‌های فرعی، نام یکی از درس‌هاست.

فصل اول کتاب با عنوان «العصر الجاهلی» در ۵۶ صفحه (صص ۱-۵۶) تنظیم شده و دارای یازده زیرعنوان است که عبارت‌اند از: ۱. حياة العرب الاجتماعية والأخلاقية والدينية، ۲. حکم و تجارب (زهیر بن ابی سلمی)، ۳. فخر و حماسه (عمرو بن کلثوم)، ۴. فخر و اعتزاز (المرقس الأكبر)، ۵. فروسیه (عنتر بن شداد)، ۶. طرفه بن العبد یفخر و یبین سبيله فی الحیاة، ۷. کرم و نجدة (حاتم الطائی)، ۸. فی رثاء صخر (الخنساء)، ۹. طریق السیادة والشرف (ذو الإصبع العدوانی)، ۱۰. خصائص الشعر الجاهلی، ۱۱. خصائص النثر الجاهلی.

فصل دوم کتاب با عنوان «العصر الإسلامی» شامل دو باب «صدر الإسلام» و «العصر الأموی» است. این فصل ۸۳ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است (صص.

۱۴۰-۵۷). باب اول دارای هشت زیرعنوان به شرح زیر است: ۱. قرآن کریم، ۲. حق المسلم (حدیث شریف)، ۳. خطبة (عمر بن الخطاب)، ۴. فخر وهجاء (حسان بن ثابت)، ۵. قصة كرم (الحطیئة)، ۶. التعليق على الأدب في صدر الإسلام، ۷. خصائص الشعر في صدر الإسلام، ۸. خصائص النثر في صدر الإسلام. این باب مجموعاً ۳۶ صفحه است. باب دوم این فصل ۴۷ صفحه است و دارای ۹ زیرعنوان است که عبارت‌اند از: ۱. مدح وإشادة بنی أمیة (الأخطل)، ۲. مدح بنی هاشم (الکمیت)، ۳. فی الحماسة (قطری بن الفجاءة)، ۴. فخر وهجاء (الفرزوق)، ۵. من الغزل العفیف (جميل بن معمر)، ۶. من الخطبة البتراء (زياد بن أبي سفیان)، ۷. رسالة إلى الأهل (عبد الحمید الکاتب)، ۸. خصائص الشعر فی العصر الأموی، ۹. خصائص النثر فی العصر الأموی.

فصل سوم کتاب با عنوان «العصر العباسی» از صفحه ۱۴۱ تا ۲۰۰ (حدود ۶۰ صفحه) را شامل می‌شود و دارای دوازده زیرعنوان است که عبارت‌اند از: ۱. العصر العباسی الأول، ۲. العصر العباسی الثانی، ۳. معركة عمورية (أبو تمام)، ۴. وصف الربیع (البحتری)، ۵. من الغزل العفیف (عباس بن الأحنف)، ۶. فی الزهد (أبو العتامة)، ۷. مدح سيف الدولة (المتنبی)، ۸. رثاء و تأملات فی الحیاة والموت (أبو العلاء المعری)، ۹. فی نظام العمل (ابن المقفع)، ۱۰. من حیل الحیوان (الجاحظ)، ۱۱. خصائص الشعر فی العصر العباسی، ۱۲. خصائص النثر فی العصر العباسی.

فصل چهارم با عنوان «العصر الأندلسی» دارای ۳۰ صفحه (صص. ۲۰۱-۲۳۰) است و ۶ زیرعنوان دارد: ۱. فی وصف الجبل (ابن خفاجة)، ۲. من رثاء الممالک الزائلة رثاء دولة بنی الأقطس (ابن عبدون)، ۳. حنین وشوق (ابن زیدون)، ۴. من الموشحات الأندلسیة (ابن الخطیب)، ۵. من النثر الأندلسی - أدب مجالس العلم (ابن حزم)، ۶. خصائص الأدب الأندلسی.

فصل پنجم با عنوان «العصر الحدیث» گسترده‌ترین فصل کتاب است که ۱۰۶ صفحه از کتاب یعنی بیش از یک‌سوم حجم اثر را به خود اختصاص داده است (صص. ۲۳۱-۳۴۸). این فصل ۱۶ زیرعنوان دارد که عبارت‌اند از: ۱. الأدب فی العصر الحدیث، ۲. فی سرندیب (البارودی)، ۳. إلى الشباب (أحمد شوقی)، ۴. یا أخی الإنسان (علی هاشم رشید)، ۵. المساء (خلیل مطران)، ۶. یا بن أمی (أبو القاسم الشابی)، ۷. الحجر الصغیر (إیلیا أبو ماضی)، ۸. حصاد

الجهاد (الفتیوری)، ۹. من الشعر المسرحی: من مسرحیة مجنون لیلی (أحمد شوقی)، ۱۰. الخلق (المنفلوطی)، ۱۱. إلى ولدی (أحمد أمين)، ۱۲. إلى ابنتی (طه حسین)، ۱۳. الربیع والزهر (العقاد)، ۱۴. الشكل والمضمون (حسن القرشی)، ۱۵. من الأب القصصی: الرخیص الغالی (محمد عبد الحلیم عبدالله)، ۱۶. نهضة الأدب فی العصر الحدیث.

۴-۲. فهرست منابع

این اثر با وجود تنوع موضوعی و گستره جغرافیایی موردبررسی، تنها ۲۱ منبع دارد که در یک صفحه در پایان کتاب تنظیم شده است. همه منابع مربوط به سال‌های میان ۱۹۳۸ تا ۱۹۸۰ میلادی است. از این تعداد، ۱۱ منبع مربوط به دهه ۱۹۷۰ و ده منبع مربوط به قبل از دهه ۱۹۷۰ است.

۳. تحلیل ابعاد شکلی کتاب

- یکی از ویژگی‌های مثبت شکلی این کتاب اعراب‌گذاری دقیق و درست تمام متون برگزیده اعم از شعر و نثر است. صرف‌نظر از اهتمام ویژه مؤلف به اعراب‌گذاری دقیق و درست متون، ایرادی نیز از این نظر به کتاب وارد است؛ بدین معنا که مؤلف همه اجزای کلمات را اعراب‌گذاری کرده و با این کار سبب شده است تا فراگیران به راحتی و بدون تلاش برای به‌کارگیری آموخته‌های صرفی و نحوی خود متن را بخوانند و این بدان معناست که در عمل ارتباط افقی بین دو درس صرف و نحو و متون از هم گسسته است. افزون‌بر این طبق یادداشت‌های مؤلف در مقدمه کتاب (ص ح)، این اثر برای سطح پیشرفته زبان‌آموزان تدوین شده و به طبع در این سطح نیازی به اعراب‌گذاری کامل متون نیست.

- از دیگر اشکالات شکلی کتاب، عدم تناسب حجمی میان فصل‌های مختلف و نیز عدم تناسب دوره تاریخی موردنظر با حجم فصل است. برای نمونه عصر عباسی با گستره تاریخی بیش از پنج قرن تنها ۶۰ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده، درحالی که عصر حدیث، حدود یک‌سوم از حجم کتاب را دربرگرفته است. افزون‌بر این صرف‌نظر از گستره تاریخی دوره‌های ادبی، حجم فصل‌های کتاب نیز با هم تناسب ندارد.

- عدم هماهنگی در فهرست مطالب از دیگر کاستی‌های کتاب است. برای مثال برخی از عنوان‌های فرعی فصل اول در فهرست درج شده، اما همین عنوان‌ها با اینکه در فصل‌های

دیگر وجود دارد در فهرست درج نشده است مانند: «الإسلام وأثره» (ص. ۵۷)، «أثر الفتوح الإسلامية» (ص. ۵۸)، «الحياة السياسية» و «الحياة الاجتماعية» (ص. ۱۴۳)، «الحياة العلمية والأدبية» (ص. ۱۴۴)، «الحياة السياسية» و «الحياة الأدبية» (ص. ۱۴۵)، «الفتح العربي» (ص. ۲۰۱)، «المجتمع الأندلسي» و «الحياة الفكرية» (ص. ۲۰۲)، «عوامل ازدهار الأدب في العصر الحديث» (ص. ۲۳۴)

- کوچک بودن بیش از حد فونت یا اندازه قلم از دیگر مشکلات شکلی اثر است. به ویژه از آنجایی که متون برگزیده به طور کامل اعراب گذاری شده است، کوچک بودن فونت سبب درهم رفتگی حرکات شده است و خواندن متن را برای زبان آموزان دشوار می کند.

- برخی اشکالات تایپی نیز در فهرست و متن کتاب دیده می شود مانند «قطری بین الفجاءة» به جای «قطری بن الفجاءة» (فهرست)، «دولة بن الأقطس» به جای «بنی الأقطس» (فهرست)، «سودک» به جای «سؤددک» (ص. ۴۶) و «منبتی» به جای «منبتی» (ص. ۳۱).

- قواعد رسم الخط عربی نیز در برخی موارد رعایت نشده است؛ مانند: «الاعداء» به جای «الأعداء» (ص. ۲۶)، «الاسلامية» به جای «الإسلامية» و «القوى» به جای «القوى» (ص. ۱۴۷)، «الأطلاع» به جای «الإطلاع» و «الماضى» به جای «الماضى» (ص. ۲۱۰)، «الاخوانية» به جای «الإخوانية» و «إتجاهاً» به جای «اتجاهاً» (ص. ۲۳۵) و «مسؤولیتکم» به جای «مسؤولیتکم» (ص. ۲۴۲).

- وجود برخی اشکالات در حرکت گذاری؛ مانند «ما أملىک» (ص. ۲۹) و «مقدار» (ص. ۶۰).

— هر چند در مجموع وضعیت صفحه آرایی کتاب مطلوب است، اما به ندرت اشکالاتی هم در این زمینه دیده می شود. مثلاً در صفحه ۸۰ کتاب ذیل عنوان «الشاعر»، به جای اینکه مطالب مرتبط با معرفی شاعر در سطر پایین تر از عنوان درج شود، در ادامه عنوان قرار گرفته است.

- اشکال صرفی در مقدمه «الأسالیب المتعدد التي» به جای «المتعددة» (ص ح).
- وجود اشکالات ویرایشی از دیگر موارد ضعف شکلی این کتاب است. در جمله «لیکسب طاعتهم. ألا یخص نفسه بشیء» بعد از «طاعتهم» به جای ویرگول نقطه گذاشته

شده است (ص. ۴۵). همچنین، در صفحات ۶۲، ۷۰، ۷۹ و ۱۶۵ جای نقطه، دونقطه قرار گرفته است. همچنین، در پایان جملات در صص ۱۳۴، ۲۹۸ و ۳۰۵، نقطه قرار داده نشده است.

— برخی اشکالات شکلی در تمرین‌ها نیز دیده می‌شود، مانند اینکه در پاسخ سه‌گزینه‌ای برای یک سؤال، دو گزینه عیناً تکرار شده است (ص. ۲۴) یا اینکه یکی از گزینه‌های سؤال سه جوابی، عیناً تکرار سؤال است (خود سؤال در جواب تکرار شده است) (ص. ۳۰).

— از دیگر اشکالات شکلی کتاب، کم بودن فاصله سطرهاست که به‌ویژه به‌سبب داشتن اعراب، خواندن آن را با مشکل مواجه می‌سازد.

— استفاده از فونت بزرگ‌تر و پررنگ‌تر برای عنوان‌ها و تمایز آن‌ها از متن از ویژگی‌های

مثبت این کتاب است.

— کتاب حاضر فاقد شناسنامه و فهرست اعلام است.

۳. تحلیل ابعاد محتوایی اثر یا تحلیل کیفی کتاب

«اهداف اصلی هر کتاب درسی از طریق مفاهیم نهفته در محتوای آن تأمین می‌شود. مهم‌ترین بخش نقد هر کتاب، ارزیابی محتوایی آن است که باید متخصصان هر رشته به آن مبادرت ورزند» (رضی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲).

۳-۱. روش‌شناسی کتاب

— یکی از ملاک‌های مهم نقد کتاب‌های درسی، ارزیابی میزان رعایت زبان علمی در تألیف اثر است. زبان علمی، زبانی است شفاف و با تعابیر مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی که در آن معانی الفاظ، حقیقی است و خواننده را مستقیم و بی‌درنگ به معنا رهنمون می‌سازد (سمیعی، ۱۳۷۸، ص. ۴۴). زبان مؤلف در این اثر زبانی ساده، روان، به دور از تکلف و ابهام است، به‌طوری که امکان خواندن و دریافت معنا را برای فراگیران به آسانی مهیا می‌کند.

— یکی از امتیازات این کتاب روش نویسنده در طراحی درس‌ها و ارائه مطالب است.

روش نویسنده برای ارائه مطالب کتاب به این صورت است که هر دوره تاریخی، شامل چند

درس می‌شود که هر درس برای یک جلسه آموزشی طرح‌ریزی شده است. حجم کمی هر درس حدود ۵ تا ۶ صفحه است که شامل معرفی شاعر یا نویسنده، فضای شکل‌گیری اثر (جو النص)، متن اصلی (النص)، واژه‌شناسی (المفردات)، شرح متن (الشرح)، تعلیقات (التعلیق) و تمرین‌ها (المناقشه) است.

نویسنده در هر درس ابتدا، شاعر یا نویسنده را در حد ۳ تا ۵ سطر معرفی می‌کند، سپس توضیحاتی درباره متن و بستر شکل‌گیری آن و منبع متن در حد ۴ تا ۵ سطر ارائه می‌شود. متون موردبررسی از جهت حجمی در اشعار حدود ۷ تا ۱۰ بیت و در متون نثر، کم‌تر از یک صفحه است. در ادامه واژه‌های جدید موجود در متن معادل‌یابی و سپس معنی ابیات به صورت تک‌تک یا مفاهیم متون نثری در چند محور ارائه می‌شود. در بخش تعلیقات نیز به ویژگی‌های سبکی نویسنده، گاهاً مکاتب ادبی و عناصر بلاغی موجود در متن مانند آرایه‌های لفظی یا صور خیال، محورهای محتوایی، امثال و حکم پرداخته می‌شود. در پایان هر درس نیز تمرین‌هایی برای فراگیران طراحی شده است که به یادگیری بیشتر مطالب کمک می‌کند. هر درس دارای ۵ تمرین است که به صورت سؤالات گزینه‌ای، جای خالی و تشریحی طراحی شده است.

از آنچه بیان شد می‌توان نقاط قوت روش نویسنده را در موارد زیر برشمرد:

۱. انتخاب حجم مناسب متون برای یک جلسه آموزشی؛
۲. ارائه شرح و توضیح متن و مفردات با زبانی ساده و روان؛
۳. فرارفتن از حد ترجمه متون و بررسی محتوایی، سبک‌شناختی و بلاغی آن؛
۴. ارائه تمرین‌های متنوع و متناسب با متن به گونه‌ای که سه جنبه واژه‌شناسی، درک مطلب و سبک‌شناسی متون را پوشش می‌دهد.

با وجود امتیازات کتاب از جهت روشی، کاستی‌هایی نیز در آن وجود دارد که لازم است بازبینی و اصلاح شود:

— باید توجه داشت که هرچند شرح مفردات یکی از ویژگی‌های مثبت این کتاب است اما به نظر می‌رسد شرح همه مفردات جدید یا دشوار ضمن ممانعت از ایجاد ارتباط پویا میان فراگیران، مدرس و متن، فراگیران را به سبب احساس بی‌نیازی به کتب لغت، از مراجعه به این منابع ارزشمند باز می‌دارد.

- برای کسب مهارت درک نوشتاری دو فرایند وجود دارد: فرایند پایین به بالا و فرایند بالا به پایین^۱. در فرایند نخست زبان آموز تلاش می‌کند عناصر خرد متن (آواها، واژه‌ها، عبارات و جمله‌ها) را رمزگشایی کند تا به معنی کلی برسد. در فرایند دوم، با استفاده از دانسته‌های قبلی خود، فرضیه‌هایی کلی درباره معنی متن می‌سازد و سپس به عناصر جزئی می‌پردازد (خنیاب‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۴۰). مؤلف این کتاب، با توجه به اینکه توضیح کلمه‌ها و عبارات را پیش از تمرین‌ها آورده، از روش دوم استفاده کرده است. از طرفی، با توجه به حجم زیاد عناصر ناآشنا در متن، ممکن است فراگیران نتوانند مفهوم متن را به درستی درک کنند. با این توضیحات به نظر می‌رسد بهتر بود شرح کلمات و عبارات در انتهای درس و بعد از تمرین‌ها آورده می‌شد.

- یکی از معیارهای کیفی ارزشیابی کتاب‌های درسی، میزان توجه نویسنده به ظرفیت محتوای کتاب برای پیوند با سایر رشته‌ها در حل مسائل جدید یا رویارویی جدید با مسائل است، زیرا سیر پیشرفت علوم جدید، نشان‌دهنده این حقیقت است که علوم به طرز اجتناب‌ناپذیری بین رشته‌ای شده‌اند و علوم مختلف با وجود محدود بودن در چارچوب رشته علمی، بخشی از روایت‌های دانش‌های دیگرند (رهادوست، ۱۳۸۲، ص. ۲۰۰).

- آموزش متون ادبی از جمله درس‌هایی است که با بسیاری از زمینه‌های علمی دارای ارتباط است و مؤلف برای پربارتر کردن درس‌ها و افزایش دامنه و عمق یادگیری فراگیران لازم است در تحلیل متون از این زمینه‌ها استفاده کند. مؤلف این کتاب چنانکه در مقدمه نیز اشاره کرده در تحلیل متون بیشتر از علوم بلاغی و گاه مؤلفه‌های سبک‌شناسی سنتی استفاده کرده است: «فی درس النصوص تدریب للطالب علی تذوق الأدب الرفیع والاستمتاع به، وإصدار أحكام صحیحة علیه بعد التدریب علی تحلیلہ و استعراض ما فیه من أفكار وعبارات وصور، ومن هنا نشیر إلى أهمية مسایرة درس البلاغة لدرس النصوص» (مقدمه کتاب، «ص ح»)، حال آنکه برای غنا بخشیدن به تحلیل‌ها می‌شود از زمینه‌های جدید و متنوعی مانند انواع رویکردهای جدید نقد (روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، فمینیستی، بوم‌گرایی، کهن‌الگویی و...)، نظریه‌های جدید سبک‌شناسی، مباحث زبان‌شناسی، معناشناسی، نشانه‌شناسی، بینامتنی، ساختارگرایی، روایت‌شناسی و... نیز بهره برد.

- یکی از اشکالات محتوایی کتاب عدم تناسب حجم محتوایی نمونه شعر با نثر است، به طوری که در همه دوره‌ها غیر از عصر اسلامی تعداد نمونه‌های شعر بیشتر از نثر است. در

عصر جاهلی ۷ نمونه شعری و ۱ نمونه نثر، در عصر اموی ۵ نمونه شعر و ۲ نمونه نثر، در عصر عباسی ۶ نمونه شعر و ۲ نمونه نثر، در ادب اندلس ۴ نمونه شعری و ۱ نمونه نثر و در عصر حدیث ۸ نمونه شعری و ۶ نمونه نثر ارائه شده است.

یکی دیگر از اشکالات محتوایی کتاب، حذف دوره انحطاط یا وسیط است؛ مؤلف بدون بیان علتی مشخص، دوره انحطاط را از ادوار تاریخ ادبی، حذف کرده و فقط قبل از ورود به فصل مربوط به عصر نهضت، به طور خلاصه ویژگی های ادبی عصر انحطاط را در سه صفحه بیان کرده است. نویسندگان از این دوره با عنوان «عصور الضعف» یاد کرده است که شامل دو دوره مملوکی و عثمانی می شود. هرچند نویسندگان آغاز ضعف ادبی را از دوره ممالیک می داند، اما معتقد است دوره عثمانی، به دلیل عواملی مثل شیوع فقر و جهل، تعطیلی مدارس و جایگزینی زبان ترکی به جای زبان عربی به منزله زبان رسمی، دوران اوج ضعف و انحطاط ادبی است: «وقد وصل الأدب فی هذا العصر إلى منحدر الضعف والانحطاط، ولا شك أن هناك عوامل كثيرة أدت بها إلى ذلك الهبوط، من تلك العوامل: انتشار الفقر والجهل، وإغلاق المدارس التي أنشأتها الممالیک وفرض اللغة الترتکیة لغة رسمية بدلا عن اللغة العربیة» (صص. ۲۳۱-۲۳۳). جالب اینکه دوره عثمانی از نگاه نویسندگان به حدی منحنی است که حتی خلاف دوره مملوکی به ادبای برجسته آن هم اشاره ای نشده است. به نظر می رسد حذف یک دوره ادبی، ضمن قطع ارتباط میان دو دوره مهم عباسی و حدیث، سبب می شود فراگیران با متون ادبی دوره ای مهم و در عین حال طولانی از ادبیات عربی محروم شوند. این در حالی است که در این دوره با وجود شرایط دشوار اجتماعی و سیاسی، «خیل عظیمی از دانشمندان و شاعران ظهور کرده و دانشمندان مسلمان در علوم مختلف از ریاضیات تا طب و نجوم؛ و از دریانوردی، موسیقی، شعر، فنون نظامی و جنگاوری تا فقه، تفسیر و حدیث، تاریخ و جغرافیا، آثار ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشته اند» (طالبزاده، ۱۳۸۸، ص. ۸۴). بکری شیخ امین ضمن مخالفت با نام گذاری این دوره به عصر انحطاط معتقد است ضعف برخی آثار ادبی این دوره هرگز به معنای ضعف همه آثار نیست و عصری که چهره هایی مانند ابن قیم، ابن خلدون، سیوطی، ابن فارض، ابن عربی، قلقشندی، نویری، عمری، سرخسی، ابن منظور و هزاران شخصیت برجسته مانند آنها را در خود پرورش داده، حرام است که عصر انحطاط نامیده شود (شیخ امین، ۱۹۸۶، ص. ۱۰).

— در بین دوره‌های ادبی، آموزش متون حدیث و معاصر از جنبه‌های گوناگونی دشوار است. ویژگی‌هایی مانند گستره وسیع جغرافیایی (شامل مشرق و مغرب عربی که شامل ۲۱ کشور عرب‌زبان است)، گستره زمانی، تنوع انواع ادبی (اعم از شعر و نثر) و گستردگی، شدت و سرعت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری متون ادبی (مانند تحولات سیاسی، اجتماعی و ادبی) در جهان به‌طور عام و جهان عرب به‌طور خاص از عواملی است که تدوین کتابی جامع را برای آموزش این واحد درسی با دشواری فراوانی مواجه می‌سازد (میرزایی و ابویسانی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۴). در بخش مربوط به عصر حدیث این کتاب غیر از عدم تناسب حجم محتوایی شعر و نثر، گستره جغرافیایی و تعدد انواع ادبی نیز به شکل قابل قبول لحاظ نشده است. به‌طوری که بیشتر متون برگزیده از کشور مصر است، یعنی از ۸ نمونه شعری؛ ۳ نمونه و از ۶ نمونه نثر، ۵ نمونه، از ادبای کشور مصر انتخاب شده است. این درحالی است که مثلاً از ادبیات حوزه خلیج هیچ نمونه‌ای ذکر نشده است. افزون‌بر این در بخش نثر این دوره، انواع ادبی مهمی مانند رمان، نمایشنامه و سفرنامه مغفول مانده است.

۲-۳. نحوه گزینش عنوان کتاب و تناسب آن با محتوا

عنوان کتاب باید مشخص، محدود و به گونه‌ای باشد که محتوای کتاب و رویکرد مؤلف را نشان دهد (مشکین‌فام، ۱۳۹۱، ص. ۲۱). همچنین، عنوان کتاب باید با محتوای آن سازگار باشد. عنوان کتاب حاضر «الأدب والنصوص لغیر الناطقین بالعربیة» هر دو ویژگی مذکور را دارد. بدین معنا که اولاً عنوان، مشخص و بدون ابهام است و دوماً مؤلف با درج عبارت «لغیر الناطقین بالعربیة» رویکرد آموزشی کتاب را تعیین کرده و سوم اینکه محتوا با عنوان کتاب سازگار است. نویسنده در عنوان از دو واژه «الأدب» و «النصوص» استفاده کرده تا نشان دهد در محتوا هم درباره ویژگی‌های ادبی دوره‌های مختلف بحث شده و هم متون آن دوره‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۳. ارتباط افقی محتوای اثر با سایر درس‌ها

تأثیر مواد درسی که در یک دوره تحصیلی تدریس می‌شوند، یک نظام ارتباطی را تشکیل می‌دهد که تأثیر مجموع آن‌ها به رشد فکری یادگیرنده منجر می‌شود. یکی از شاخصه‌های اثربخش بودن برنامه درسی و به‌تبع آن کتاب‌های درسی و سایر ابزارهای آموزشی، میزان و

نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر است (ملکی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵). ماده متون نظم و نثر (در هر دوره‌ای) با برخی درس‌های دیگر مانند تاریخ ادبیات، صرف و نحو، بلاغت، نقد و مکاتب ادبی، عروض و قافیه، مرتبط است. بر این اساس لازم است مباحث، تحلیل‌ها و تمرین‌های کتاب‌های آموزشی متون، به گونه‌ای گزینش و طراحی شود که فراگیران بتوانند آموخته‌های خود در سایر درس‌های مرتبط را در خلال این درس بازیابی و تعمیق کنند. کتاب حاضر از این جهت، به گونه‌ای تدوین شده است که ارتباط افقی این درس با برخی درس‌های مرتبط مانند تاریخ ادبیات، مکاتب‌های ادبی و بلاغت، به نحو مطلوب برقرار شده و از سویی دیگر یادگیری محتوای مورد نظر مؤلف با درس‌های مذکور پشتیبانی می‌شود.

۴-۳. نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر

انسجام و یک‌دستی از عناصر مهم در نگارش هر متن علمی است. منظور از انسجام پیوند منطقی میان اجزای خرد و کلان متن است، به طوری که خواننده بتواند سیر طبیعی و پیوسته کلام نویسنده را آن بیند و موضوع را دنبال کند (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۱۲) ساختار کلی این کتاب از جهت فصل‌بندی، به کارگیری عنوان‌های اصلی و فرعی و تمایز آن‌ها از هم و تناسب عنوان‌ها با محتوای فصل‌ها و باب‌ها، سیر ارائه دوره‌های تاریخی و سیر ارائه درس‌ها از انسجام لازم برخوردار است. فصل‌های کتاب از دوره جاهلی آغاز و تا عصر حدیث (غیر از دوره انحطاط) را شامل می‌شود. نحوه ارائه درس‌ها و عنوان‌بندی‌ها در تمام فصل‌ها یکسان است. تنها اشکال کتاب از این جهت عدم شماره‌گذاری فصل‌ها و درس‌هاست؛ بدین معنا که فصل‌ها و درس‌ها تنها با عنوان از هم متمایز شده است، ولی بهتر بود برای دستیابی بهتر فراگیران از شماره‌گذاری نیز استفاده می‌شد.

۵-۳. جایگاه کتاب در مقایسه با کتب مشابه

یکی از ویژگی‌هایی که این کتاب را از سایر کتب آموزش متون متمایز می‌سازد، جامعیت آن است. بیشتر کتاب‌هایی که در این حوزه تدوین می‌شوند، دوره‌ای خاص را پوشش می‌دهند، حال آنکه کتاب حاضر غیر از عصر انحطاط، همه دوره‌های ادبی را در یک مجلد شامل می‌شود.

— روش ارائه درس‌ها و به‌ویژه طراحی تمرین‌ها متنوع از دیگر وجوه تمایز این کتاب از دیگر کتب آموزش متون است، درحالی که بسیاری از کتاب‌های این حوزه، درس به درس تدوین نشده یا اساساً بدون تمرین تدوین شده است.

— معرفی هر دوره ادبی و تبیین ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی آن جهت درک بهتر متون ادبی برای فراگیران، از دیگر مزایای محتوایی این کتاب است. افزون‌بر این نویسنده در پایان هر فصل، بخشی مجزا را به تبیین ویژگی‌های ادبی آن دوره اختصاص داده است.

— نویسنده در ارائه متون، دوره‌های تاریخی را مدنظر داشته است؛ بدین معنا که سیر تحول تاریخی مبنای ارائه دوره‌های ادبی در کتاب است که شیوه‌ای رایج و متداول در میان مورخان ادب عربی به‌شمار می‌آید.

— در این کتاب انتخاب نمونه‌های شعری به شکل هدفمند صورت گرفته است، به‌طوری که در شعر قدیم، اغراض گوناگون و در شعر حدیث تا حد امکان مکاتب شعری مانند شعر نوکلاسیک، شعر رمانتیک، شعر واقع‌گرا، شعر سمبولیک و جریان‌های شعری مانند شعر مقاومت، شعر غنایی و شعر مهجر را دربر می‌گیرد.

۳-۶. پای‌بندی به اخلاق پژوهش

اخلاق پژوهش شاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای است که به بررسی مسائل اخلاقی در حرفه پژوهش می‌پردازند. پژوهش در گستره‌های مختلف به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، بیرون از جامعه و بی‌ارتباط از سرنوشت بشر انجام نمی‌شود و این امر صرفاً معطوف به نقش پژوهشگر نیست، بلکه فرایند پژوهش به‌طور کلی و اعم از پژوهشگر، روش‌ها، ابزار، شرکت‌کنندگان در پژوهش و... با محیط پیچیده اجتماعی تعامل می‌یابد. تأثیر پژوهش در سرنوشت جامعه، ضرورت جهت‌گیری اخلاقی به آن را از جنبه‌های مختلفی توجیه می‌کند (قراملکی، ۱۳۸۳، صص ۹۷). آنچه در اخلاق پژوهشی مربوط به تدوین هر کتاب می‌توان در نظر گرفت شامل موارد زیر است:

۳-۶-۱. میزان دقت در استنادات و ارجاعات

همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، کتاب حاضر علی‌رغم تنوع گسترده موضوعی تنها ۲۱ منبع دارد. هرچند که منابع غالباً معتبر و روزآمد است، اما با توجه به گستره موضوعی کتاب، بسیار محدود به نظر می‌رسد. منابع در فهرست، براساس شیوه APA تنظیم شده است. اطلاعات مربوط به منابع غیر از شماره چاپ که در هیچ منبعی ذکر نشده کامل است. یکی از اشکالات کتاب در این زمینه این است که برخی منابع که در پاورقی‌ها ذکر شده در فهرست نیامده است، مانند مختصر تفسیر ابن کثیر (ص. ۶۴)، دائرةالمعارف الإسلامية (ص. ۱)، الترمذی (ص. ۸۸)، ریاض الصالحین (ص. ۸۸) و مسند ابن احمد (ص. ۸۸).

از دیگر اشکالات کتاب در زمینه استناد، عدم رعایت اصول ارجاع‌دهی در پاورقی‌هاست؛ بدین معنا که طبق اصول روش تحقیق، چنان‌چه منبعی برای اولین بار در پاورقی بدان استناد می‌شود، باید اطلاعات کامل منبع درج شود و در دفعات بعدی، تنها نام نویسنده کفایت می‌کند. این اصل در ارجاعات این اثر، رعایت نشده و برخی از منابعی که برای اولین بار بدان‌ها استناد شده، با اطلاعات کامل در پاورقی درج نشده است مانند: سید حنفی حسنین، الشعر الجاهلی، ص ۳۵ (ص. ۱۸۰).

همچنین طبق اصول روش تحقیق، استفاده از عنوان‌ها و القاب در ارجاع‌دهی مردود است. نویسنده در برخی پاورقی‌ها از لقب «الدكتور» در کنار نام نویسنده استفاده کرده است، مانند: «الدكتور شوقی ضیف، العصر الإسلامي، صص ۲۰۰—۲۰۳» (ص. ۹۴). همچنین، در استناد به آیات قرآن کریم، نوعی ناهماهنگی دیده می‌شود. برای نمونه در برخی موارد نام سوره و شماره آیه در پاورقی ذکر شده مانند صفحات ۱۰۸ و ۱۳۲ و در برخی موارد مانند صفحه ۱۱۳، در متن کتاب ارجاع داده شده است.

از دیگر مشکلات کتاب در این زمینه، این است که غالب منابعی که در فهرست درج شده، در متن مورد استفاده قرار نگرفته است. از مجموع ۲۱ منبع مذکور در فهرست تنها ۳ مورد یعنی مصادر الشعر الجاهلی (ناصرالدین الأسد)، الشعر الجاهلی (سید حنفی حسنین) و شوقی ضیف (تاریخ الأدب العربی) در متن مورد استناد قرار گرفته است.

عدم استناد به منابع در معرفی شاعران و نویسندگان و نیز در معرفی شرایط تاریخی هر دوره ادبی و ویژگی‌های ادبی هر دوره در پایان فصل‌ها، از دیگر نقاط ضعف این کتاب است. در مجموع کتاب حاضر از جهت منابع و مراجع ضعیف است که این وضع افزون‌بر

کاهش اعتبار علمی اثر، دانشجویان را از ظرفیت این درس برای بالا بردن اطلاعات مأخذشناسی نیز محروم می‌کند.

۲-۶-۳. رعایت بی‌طرفی علمی در تحلیل‌ها

یکی از تفاوت‌های روش تحقیق در علوم انسانی با علوم تجربی این است که پژوهشگران علوم انسانی، بیشتر در معرض آسیب‌هایی مانند سوگیری و جانبداری قرار دارند. از این رو اصل رعایت بی‌طرفی در تحقیق، یکی از محورهای اساسی روش تحقیق در علوم انسانی است که عدم توجه بدان قابلیت اعتماد به نتایج تحقیق را به شدت کاهش می‌دهد و موجب تضییع هزینه‌های تخصیص‌یافته می‌شود (رزمی، ۱۳۸۴، ص. ۶۴).

به نظر می‌رسد نویسنده کتاب مذکور، در گزینش، ارائه و تحلیل مطالب کتاب به اصل بی‌طرفی علمی پای‌بند بوده است، به طوری که تقریباً هیچ‌گونه جانبداری غرض‌ورزانه یا طرفداری متعصبانه در این اثر یافت نمی‌شود.

۷-۳. میزان تناسب محتوای علمی اثر با مبانی دینی و اسلامی

بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، محتوای علمی کتاب، منافاتی با اصول و مبانی اندیشه و فرهنگ اسلامی ندارد. نویسنده به‌ویژه در معرفی عصر اسلامی و ویژگی‌های آن نگاهی واقع‌گرا و بدون تعصب به ظهور اسلام و آثار مثبت آن بر جامعه عربی داشته است (صص. ۵۷-۵۸). همچنین، نویسنده در این فصل برای رعایت شأن والای قرآن کریم، خلاف سایر فصول، ابتدا نمونه‌های نثر را آورده و در رأس آن‌ها آیاتی را از سوره لقمان و سپس نمونه‌هایی از حدیث نبوی را به‌منزله نمونه‌ی اعلای نثر این دوره تحلیل و بررسی کرده است.

۸-۳. میزان تناسب محتوای اثر با سرفصل‌های آموزشی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی کتب درسی، میزان تناسب حجم و محتوای آن با سرفصل‌های مصوب آموزشی است. با توجه به تعداد دروس ارائه‌شده در هر دوره که کم‌تر از تعداد جلسه‌های یک ترم تحصیلی (۱۴ جلسه) است و نیز با توجه به روش ارائه‌ی درس‌ها که پیش‌تر توضیح داده شد، این کتاب می‌تواند یکی از منابع فرعی آموزش متون در دوره‌های مختلف ادبی در سطح کارشناسی محسوب شود. لازم به توضیح است طبق

سرفصل‌های مصوب وزارت علوم برای دوره کارشناسی ادبیات عربی، تعداد ۲۶ واحد درسی برای آموزش متون نظم و نثر در دوره‌های مختلف از جاهلی تا معاصر در نظر گرفته شده است.

نتایج

ارزیابی و نقد کتاب الأدب والنصوص لغیر الناطقین بالعربیة نشان‌دهنده نکته‌های زیر است: — در بخش ویژگی‌های شکلی، نقاط ضعف بیشتر از نقاط قوت است که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از نداشتن طرح جلد مناسب، کوچک بودن بیش از حد اندازه قلم، اشکالات ویرایشی، اعراب‌گذاری همه اجزای کلمات، ناهماهنگی در انتخاب عنوان‌های فرعی و عدم تناسب حجمی فصول.

— در بخش محتوایی، نقاط قوت بیشتر از نقاط ضعف است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: روش ارائه درس‌ها، طراحی تمرین‌های متنوع، جامعیت، انسجام ساختاری، داشتن ارتباط افقی با برخی از درس‌های رشته، تناسب با سرفصل‌های آموزشی مصوب، تناسب با مبانی و ارزش‌های دینی، رعایت اصل بی‌طرفی در تحلیل‌ها.

— با توجه به اینکه بیشترین اشکالات کتاب مربوط به بُعد شکلی آن است به نظر می‌رسد با رفع اشکالات می‌تواند به منزله یکی از منابع فرعی آموزش متون نظم و نثر در سطح کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. bas-haut

منابع

آصف‌زاده، س. (۱۳۸۴). تحلیل انتقادی مطالعات پژوهشی در علوم پزشکی. پزشکی در پزشکی، ۲۹، ۱۹۵-۲۰۱.

خمیس الملیجی، ح. (۱۹۹۵). الأدب والنصوص لغیر الناطقین بالعربیة. ریاض: جامعة ملک سعود.

۲۷۸ نقدنامه زبان و ادبیات عربی، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

خنیاب‌نژاد، ع. (۱۳۹۵). بررسی و نقد کتاب خواندن متون ساده. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱، ۲۷-۵۷.

رزمی، س.ع.ا. (۱۳۸۴). اصل بی‌طرفی در تحقیق. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۳۱، ۶۴-۷۰.
رضی، ا. (۱۳۸۸). شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی. سخن سمت، ۲۱، ۲۱-۳۰.

رهادوست، ب. (۱۳۸۲). رویکرد بین‌رشته‌ای و مطالعات ادبی. زیباشناخت، ۹، ۱۹۵-۲۰۱.
سمیعی، ا. (۱۳۷۸). نگارش و ویرایش. تهران: سمت.

شیخ‌آمین، ب. (۱۹۸۶). *مطالعات فی الشعر المملوکی والعثماني*. بیروت: دارالعلم للملایین.
طالب‌زاده، ع. (۱۳۸۸). بدیعیات پدیده‌ای نو در عصر انحطاط. زبان و ادبیات عربی، ۱، ۸۳-۹۶.

قراملکی، ف. (۱۳۸۳). خاستگاه پژوهش. آینه میراث، ۴، ۷-۱۷.
مشکین‌فام، ب. (۱۳۹۱). *البحث الأدبی؛ مناهجه و مصادره*. تهران: سمت.
ملکی، ح. (۱۳۸۵ش). مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاهی. سخن سمت، ۱۷، ۹-۲۰.

منصوریان، ی. (۱۳۹۲ش). صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۷، ۱۷-۲۹.

میرزایی، ف.، و ابویسانی، ح. (۱۳۹۳). تحلیل انتقادی الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۴، ۱۴۷-۱۶۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی